

مدیریت استعدادها

کژ کارکردهای رسانه‌های جمعی در تشدید روند مهاجرت نخبگان

دکتر آراین قلی پور*
دکتر طاهر روشندل اربطانی**

چکیده

با نگاهی به اهداف و آرمان‌های سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، مشخص می‌گردد که تحقق آنها مستلزم نیروهای انسانی توانمند و متخصص در تمامی زمینه‌ها می‌باشد. از سویی معضل فرار مغزها در چند دهه گذشته روندی صعودی داشته و امروزه به شکل یک بحران اجتماعی خودنمایی می‌کند. هدف این مقاله، مطالعه اثرات رسانه‌های جمعی بر پدیده فرار مغزها با تأکید بر رسانه‌های داخلی است که چارچوب نظری آن بر مبنای تئوری دفع - جذب و همچنین نظریه کاشت بنا شده است. به منظور بررسی موضوع با استفاده از تحقیقی پیمایشی و انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته با تعدادی از دانشجویان سال آخر رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه صنعتی شریف که قصد مهاجرت دائمی یا بلندمدت از کشور را داشته‌اند، به شناسایی عوامل موثر بر قصد آنها و میزان و نحوه اثرگذاری رسانه‌های داخلی و خارجی بر تصمیم به مهاجرت پرداخته شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، از میان رسانه‌های مورد مطالعه، اینترنت بیشترین اثرگذاری را در این میان داشته و ماهواره در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. همچنین تلویزیون به عنوان رسانه داخلی کژ کارکردهای بیشتری نسبت به دیگر رسانه‌های داخلی دارد. مشارکت کنندگان در تحقیق «کیفیت پایین برنامه‌های تلویزیون و عدم تناسب برنامه‌های تلویزیون با سطح خواسته‌ها، علایق و انتظارات جوانان تحصیلکرده»، «بازنمایی نامطلوب قشر تحصیلکرده جامعه در تلویزیون»، و «سهم اندک جوانان از برنامه‌های تلویزیون» و «عدم ترویج و اشاعه فرهنگ علمی» را مهمترین کژ کارکردهای تلویزیون در کشور و زمینه ساز و محرک فرار مغزها می‌دانند. به زعم آنان، تلویزیون داخلی بیشتر «وسیله تفریح اقشار کم سواد» می‌باشد تا «وسیله ترغیب نخبگان». این در حالی است که رسانه‌های خارجی در ذهن تحصیلکردگان، تصویر ایده‌آلی از کیفیت زندگی کاری و غیر کاری نخبگان در کشورهای مقصد شکل داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: فرار مغزها^۱، رسانه‌های جمعی^۲، کژکارکرد^۳، تلویزیون^۴، اینترنت^۵

* نویسنده مسئول - دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

** استادیار مدیریت رسانه دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

- 1- Brain Drain
- 2 -Mass Media
- 3 - Dysfunction
- 4 -Television
- 5 -Internet

مقدمه

به تجربه ثابت شده که مشکل کشورهای توسعه نیافته، کمبود منابع طبیعی و مادی نیست بلکه آنها بیشتر با مساله منابع انسانی توسعه یافته مواجه‌اند. دلیل بر این ادعا اینکه چه بسا کشورهای غنی و ثروتمندی از حیث منابع طبیعی که عقب مانده‌اند و چه بسا کشورهایی که علیرغم ضعف در منابع طبیعی و خدادادی به لحاظ برخورداری از منابع انسانی توانمند و متخصص جزو ممالک توسعه یافته محسوب می‌شوند.

امروزه بحران‌ها جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بوده و روز به روز بر تعدد و تنوع آنها افزوده می‌شود. به دیگر سخن برخی از بحران‌هایی که امروزه برای جوامع مطرح شده‌اند در گذشته وجود نداشته و محصول عصر جدید می‌باشند. از میان این بحران‌ها که حالت خزنده داشته و غالباً مکتوم و نامرئی^۱ می‌باشد، بحرانی است که امروزه گریبانگیر اغلب کشورهای در حال توسعه شده و از آن تحت عنوان « پدیده شوم فرار مغزها » یاد می‌شود. در حال حاضر نوعی توافق بین‌المللی وجود دارد که سرمایه‌های انسانی از اصلی‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها هستند و کمبود این سرمایه‌ها در کشورهای در حال توسعه، فرآیند رشد و توسعه را به تأخیر می‌اندازد (استارک، ۲۰۰۴: ۲۲)، تئوری‌های جدید اقتصادی با برجسته کردن اقتصاد دانش محور^۲، موفق‌ترین اقتصاد را در آینده اقتصادی می‌دانند که دانش تولید کرده و از آن بهره‌برداری تجاری^۳ بکند. از این رو نقش سرمایه‌های انسانی را در بهبود وضعیت کشورها پراهمیت تلقی کرده‌اند (نان، ۲۰۰۵: ۴۶).

واژه فرار مغزها که برای بیان مهاجرت (مهاجرت به خارج)^۴ افراد متخصص از هر کشوری به کشور دیگر به کار می‌رود، اولین بار برای توصیف مهاجرت مهندسان و دانشمندان انگلیسی به ایالات متحده در یکی از گزارش‌های جامعه سلطنتی لندن در سال ۱۹۶۳ به کار برده شد (مولان، ۲۰۰۵: ۱۸۱۲) و در دهه ۶۰ و ۷۰ با مهاجرت افراد آموزش دیده و ماهر از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته، مفهوم فرار مغزها برای کشورهای در حال توسعه نیز اهمیت پیدا کرد. با تبدیل شدن فرار مغزها به یک پدیده جهانی، موضوع در سازمان ملل نیز مطرح شد و در سطح بین‌المللی علائق زیادی جهت کشف علل و پیامدهای آن برانگیخته شد (هنسن، ۲۰۰۴: ۲۱۸) و پدیده افزایش مهاجرت

1- Latent

2 - Knowledge-based Economy

3 - Commercial

4 - Emigration

نیروی کار ماهر و آموزش دیده که به فقدان عظیم سرمایه‌های انسانی منجر می‌شود به موضوع مهمی برای سیاستگذاران^۱ در بسیاری از کشورها تبدیل گردید (د/ونپورت، ۲۰۰۴: ۶۱).

امروزه در حدود ۳ درصد از کل جمعیت جهان در کشوری غیر از کشور مادری شان زندگی می‌کنند (اوزدن، ۲۰۰۶: ۴۳) و در این میان کشور ما سهم قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. نکته حائز اهمیت اینکه بنا بر گزارش صندوق بین‌المللی پول که در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۸۴ در روزنامه ایران منتشر شد، نرخ فرار مغزها در ایران در بین ۶۱ کشور، بالاترین میزان می‌باشد. با توجه به این موضوع، پدیده فرار مغزها امروزه واقعیتی انکارناپذیر برای جامعه ماست و چه بسیار سرمایه‌های ارزشمند و گرانبهایی که بر اثر بی‌توجهی و غفلت جامعه از دست می‌روند و این در حالی است که کشور، قدم در راهی نهاده که در یک چشم‌انداز بیست ساله قصد دستیابی به جایگاه اول و برتر اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی منطقه را دارد. مسلماً تحقق چنین هدف بزرگی مستلزم برخورداری از نیروهای انسانی تحصیلکرده، متخصص و توانمند است و گرنه چشم‌انداز در خلاء شکل نخواهد گرفت. وضعیت کنونی فرار مغزهای کشور برای جامعه در حال توسعه‌ای مثل جامعه ما، وضعیت غیرقابل قبولی است و به طور مستقیم و غیرمستقیم اثرات منفی خود را در روند توسعه کشور بر جای می‌گذارد. پیش‌نیاز درمان چنین معضلی، معرفت و آگاهی نسبت به وجود چنین مسأله‌ای در وهله اول و شناسایی عوامل به وجود آورنده آن در گام بعدی و در نهایت تلاش همه جانبه جهت از بین بردن ریشه‌ها و عوامل یاد شده است. در این مورد نیز آگاهی از وجود چنین بحرانی در میان دوراندیشان و دلسوزان جامعه حاصل شده و چنین باوری به وجود آمده که معضل یاد شده اولاً از اولویت‌های اساسی جامعه بوده، ثانیاً متغیرهای آن قابل شناسایی است و در نهایت اینکه با یک عزم و تلاش برنامه‌ریزی شده و مستمر، قابل حل است.

در تلاش برای شناسایی ریشه‌ها و عوامل موجد پدیده فرار مغزها، متغیرهای زیادی را می‌توان شناسایی کرد. در یک طبقه‌بندی مشخص علل و عوامل این پدیده را می‌توان به سه دسته عوامل فردی، عوامل مربوط به کشور مبدأ و بالاخره عوامل مربوط به کشور مقصد تقسیم کرد. نکته قابل تأمل اینکه برخی از این عوامل به طور ارادی باعث شکل‌گیری این معضل می‌شوند و برخی دیگر به طور ناخواسته و غیرارادی. به عنوان مثال نهادهای

آموزشی کشور مبدأ ممکن است به طور ناخواسته خود به تشویق فارغ‌التحصیلان نشان جهت ادامه تحصیل در کشورهای پیشرفته بپردازند. مشکل زمانی حاد می‌شود که نهادهای مختلف یک جامعه اعم از نهاد حکومت، مذهب، آموزش و ... ناخواسته و از روی غفلت باعث تحریک پدیده فرار مغزها شوند. در این میان نهاد های ارتباط جمعی یا دستگاه‌های رسانه‌ای به لحاظ ارتباط با افکار، احساسات و عقاید افراد نقشی اساسی دارند.

امروزه اهمیت رسانه‌های جمعی و نقش آنها در مسلم و بدیهی انگاشته شدن^۱ واقعیت‌های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۳۹). به عبارتی دیگر رسانه‌های جمعی امروزه منبع غالب شکل‌گیری تعاریف واقعیت‌های اجتماعی در نزد افراد جامعه بوده و از این طریق رفتارهای اجتماعی را جهت می‌دهند (فرهنگی و روش‌ن‌دل، ۱۳۸۳)، لذا حکومت‌های سلطه‌گر به منظور هدایت افکار عمومی برنامه‌ریزی‌های خاص رسانه‌ای داشته و در صنایع رسانه‌ای خود سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده‌اند. یکی از اهداف رسانه‌های این کشورها، تلاش در جهت جذب نخبگان و مغزهای کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه بوده است و تا حدود زیادی هم در این کار خود توفیق حاصل کرده‌اند. با بررسی روند فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه مشخص می‌گردد که این پدیده در دهه ۹۰ به اوج خود رسیده است. دهه مزبور، مقارن با ورود تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی^۲ (ICT) نظیر اینترنت و ماهواره به کشورهای یاد شده است.

هدف مقاله حاضر بررسی اثرات رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی بر تشدید روند فرار مغزها در کشور است. در واقع از قرائن و شواهد چنین برمی‌آید که با افزایش ضریب نفوذ رسانه‌های نوین خاصه رسانه‌های تعاملی نظیر اینترنت و وبلاگ‌ها، گرایش به مهاجرت نیروهای تحصیل‌کرده جامعه به کشورهای توسعه یافته افزایش پیدا کرده و می‌بایست بدین منظور تمهیداتی اندیشیده شود. از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که رسانه‌های داخلی و خصوصاً تلویزیون به طور ناخواسته و از روی ناآگاهی به عمق چنین مساله‌ای، خود بدان دامن می‌زنند. مطالعه کژکارکردهای این رسانه‌ها در ارتباط با تشدید روند فرار مغزها هدف اساسی این مقاله است.

1 - Taken for Grantedness

2 - Information and Communication Technology

مبانی نظری تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق در خصوص نقش و آثار رسانه‌های جمعی در پدیده فرار مغزها نشان می‌دهد که در این زمینه تحقیق مشخصی صورت نگرفته است. در نگاه اول این موضوع از آنجا می‌تواند ناشی شود که پدیده مورد بحث برای کشورهای توسعه یافته همواره به عنوان یک فرصت مطرح بوده تا تهدید یا مسأله که بخواهند در مورد آن دست به تحقیقات و مطالعاتی بزنند، از سویی بی‌توجهی و غفلت کشورهای عقب مانده یا در حال توسعه به دلیل خاصیت نامریی بودن چنین بحرانی و همچنین ضعف زیرساخت‌های^۱ تحقیقاتی و فرهنگ تحقیق در این کشورها باعث مغفول ماندن موضوع رسانه‌ها و فرار مغزها شده است.

از دهه ۱۹۶۰ به بعد مطالعات قابل توجهی در خصوص پدیده فرار مغزها و ابعاد، علل و پیامدهای آن صورت گرفته است. از آنجایی که فرار مغزها پدیده‌ای مستمر بوده و مقطعی نیست لذا همین امر آن را بسیار چالش برانگیز کرده و سبب شده تا شناسایی عوامل موجد این پدیده، جهت درک بهتر آن بسیار مهم باشد. لی (۱۹۶۶) در نظریه معروف خود تحت عنوان نظریه «دفع - جذب»^۲، عوامل ایجادکننده فرار مغزها را به دو دسته عواملی که در کشور مبدأ وجود داشته و از خاصیت دفع‌کنندگی برخوردارند و عوامل مربوط به کشور مقصد که خاصیت جذب‌کنندگی مغزها را دارند، تقسیم می‌کند (لی، ۱۹۶۶: ۵۰). عوامل دفع‌عواملی‌اند که اگر نخبگان تحصیلکرده و نیروی کار ماهر، فقدان آنها را در کشور مادری خود ادراک کنند، از شرایط ناراضی شده و به مهاجرت ترغیب می‌شوند. در مقابل عوامل جذب، عواملی‌اند که اگر افراد تحصیلکرده و نیروی کار ماهر و آموزش دیده، وجود آن را در یک کشور دیگر ادراک کنند، جذب آن کشور خواهد شد (استیل ول، ۲۰۰۴: ۵۹۵). مهمترین عوامل دفع را می‌توان بر اساس نهادهای اجتماعی اولیه (خانواده، مذهب، اقتصاد، آموزش و سیاست) به پنج دسته تقسیم کرد (هلوو، ۱۹۹۵: ۱۴۹) و (اینکسون و دیگران، ۲۰۰۴: ۲۹) که عبارتند از؛

۱- عوامل مربوط به نهادهای خانوادگی^۳ از قبیل نارضایتی از شرایط زندگی خانوادگی

1 - Infrastructures

2 - Push - Pull

3 - Familial Institutions

۲- عوامل مربوط به نهادهای مذهبی^۱ از قبیل عدم وجود آزادی و یا آسایش روانی برای تعقیب عقاید مذهبی

۳- عوامل مربوط به نهادهای اقتصادی^۲ از قبیل فقر، بیکاری، سطح پایین درآمد، استانداردهای پایین زندگی، کمبود رفاه و به طور کلی شرایط معیشتی دشوار.

۴- عوامل مربوط به نهادهای آموزشی^۳ از قبیل نبود فرصت بروز استعدادها و شایستگی‌ها، فقدان فرصت برای ادامه تحصیل و کسب دانش و مهارت‌های جدید.

۵- عوامل مربوط به نهادهای سیاسی^۴، حکومتی، قضایی و امنیتی از قبیل عدم ثبات سیاسی، تهدید از سوی حکومت، فقدان آزادی‌های مشروع، احساس ظلم و بی‌عدالتی. زیگ، سیاست‌های حکومت‌ها را عامل اصلی در پدیده فرار مغزها می‌داند (زیگ، ۲۰۰۶: ۸۷) همچنین در تحقیق دیگری آکل و همکارانش به بررسی ریشه‌های فرار مغزها در بین دانش‌آموختگان رشته‌های پزشکی لبنان پرداخته‌اند و در این میان از چارچوب تئوریک عوامل دفع - جذب بهره گرفته‌اند. در این تحقیق رسانه‌های جمعی به عنوان یک عامل مؤثر در تقویت فرهنگ مهاجرت از عوامل زمینه‌ساز فرار مغزها معرفی شده‌اند (آکل و دیگران، ۲۰۰۶: ۷).

بخش دیگری از ادبیات فرار مغزها به بررسی کارکردها و کژکارکردهای این پدیده در جوامع می‌پردازد. دیدگاه سنتی، عمدتاً به جنبه‌های منفی فرار مغزها تأکید دارد. در این دیدگاه چنین بیان می‌شود که به جز ضررهای ناشی از کاهش سرمایه‌های انسانی، کشورهای مبدأ ضررهای دیگری را نیز متحمل می‌شوند مثلاً کاهش بهره‌وری نیروی کار داخلی به دلیل عدم حضور نخبگان مهاجر در محیط‌های کاری و آموزشی، فقدان نظریه‌پردازان و دانشمندان تراز اول در سطح جهانی، فقدان نیروی کار مناسب در امر بهداشت و درمان و به طور کلی اثرات منفی آن بر جامعه، خط مشی‌ها و نهادهای اجتماعی (اوزدن و شیف، ۲۰۰۶: ۱۱۶). در مقابل این دیدگاه، عده‌ای از محققان عقیده دارند این نگرش که کشور مبدأ همه هزینه‌های آموزشی را متحمل می‌شود و کشور میزبان از مزایای نیروی انسانی تولید شده بهره می‌برد، الزاماً درست نیست. شواهد نشان داده‌اند که بسیاری از این مهاجران پس از مهاجرت به ادامه تحصیل می‌پردازند و معمولاً بالاترین درجه

1 - Religious Institutions

2 - Economical Institutions

3 - Educational Institutions

4 - Governmental Institutions

تحصیلی خود را از کشور میزبان دریافت می‌کنند. بنابراین کشورهای میزبان نیز قسمتی از هزینه‌های آموزشی این افراد را متحمل می‌شوند (لوکاس، ۲۰۰۴: ۵۷).

طرفداران این دیدگاه در بحث از فرار مغزها، حتی صحبت از «دستاوردهای مغزی»^۱ به میان می‌آورند که منظور از آن مزایا و منافع ناشی از مهاجرت افراد نخبه برای کشورهای مبدأ می‌باشد. به زعم اینها مهاجرت نخبگان کشورهای در حال توسعه در نهایت منجر به افزایش سرمایه‌های انسانی این کشورها می‌گردد (بینه و دیگران، ۲۰۰۳: ۲۳).

صرف‌نظر از مطالعات متعدد صورت گرفته در خصوص علل و پیامدهای فرار مغزها، تحقیق حاضر درصدد است به تأثیرات منفی رسانه‌های جمعی بر این پدیده بپردازد. به این منظور نیاز به بهره‌گیری از مبانی نظری موجود در عرصه ارتباطات و آثار اجتماعی رسانه‌ها می‌باشد. نظریه کاشت^۲ (گرنبر، ۱۹۸۶) مبنای تئوریکی مناسبی به این منظور می‌باشد. بر اساس این نظریه، رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون در شکل‌دهی به عقاید، نگرش‌ها، ادراکات و رفتار افراد تأثیرات اساسی دارند. به زعم گرنبر، می‌بایست به فهم ابعاد متمایز تأثیرات رسانه‌ها نائل شد که این ابعاد شامل در معرض قرار گرفتن گسترده، طولانی مدت و مشترک عامه‌های وسیع و ناهمگنی است که در معرض تولید و توزیع پیام‌های رسانه قرار دارند (گرنبر، ۱۹۸۶: ۳۱).

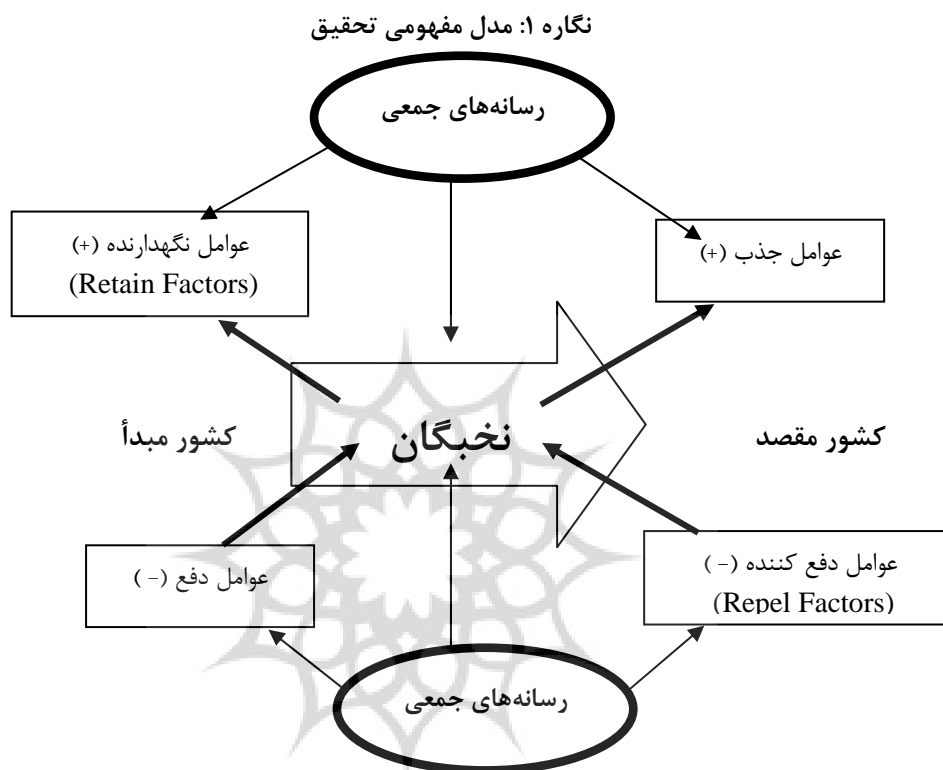
فرض اصلی این تئوری اینست که بین میزان استفاده از یک رسانه و واقعیت‌پنداری محتوای آن رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی به عنوان مثال بیندگانی که ساعات زیادی را در طول شبانه روز به تماشای تلویزیون می‌نشینند اطلاعات و ایده‌ها را طبقه‌بندی کرده و تأثیر این در معرض رسانه بودن چیزی را تولید می‌کند که کاشت نامیده می‌شود (سورین و تانکار، ۱۹۹۲: ۲۴۹) این مدل با نشان دادن یک رابطه مثبت میان میزان در معرض یک رسانه قرار گرفتن و پذیرش باورهای اجتماعی در جهت پیام‌های نمایش داده شده در آن تأیید می‌شود (شرام، ۱۹۹۶: ۴۹۰).

تحقیقات پیمایشی متعدد و متنوعی که بر پایه تئوری کاشت در حوزه باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و در گروه‌های سنی متفاوت انجام شده، نشان می‌دهد که قضاوت، نگرش و افکار تماشاگران پرمصرف تلویزیون با جهت‌گیری‌های نمایش داده شده در تلویزیون سازگار است (مهدیزاده، ۱۳۸۴: ۱۹۱). حال با بهره‌گیری از نظریه معروف دفع - جذب و همچنین اذعان

1 - Brain Gain

2 - Cultivation Theory

به نظریه کاشت در خصوص تأثیرات رسانه‌های جمعی، مدل مفهومی تحقیق به صورت زیر ارائه می‌گردد:



بر اساس مدل مفهومی تحقیق سوالات تحقیق به قرار زیرند:

- عوامل موثر بر قصد مهاجرت تحصیلکرده‌های نخبه به تفکیک عوامل شخصی، عوامل مربوط به مبدا (کشور) و عوامل مربوط به مقصد کدامند؟
- میزان استفاده و در معرض انواع رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی) قرار گرفتن مشارکت کنندگان در تحقیق تا چه اندازه است؟
- میزان تأثیر انواع رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی) بر قصد مهاجرت تحصیلکردگان نخبه تا چه اندازه است؟
- مهم‌ترین متغیرهای رسانه‌ای (خارجی) اثرگذار بر قصد مهاجرت نخبگان تحصیلکرده کدامند؟
- مهم‌ترین کژکارکردهای رسانه‌های داخلی مؤثر بر قصد مهاجرت نخبگان تحصیلکرده کدامند؟

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف آن یک تحقیق کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌های مورد نیاز از نوع تحقیقات توصیفی می‌باشد و به روش پیمایشی (زمینه‌یابی) انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق را دانشجویان پسر سال آخر رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه صنعتی شریف که قصد مهاجرت دائمی یا بلندمدت از کشور را دارند، تشکیل می‌دهد. علت انتخاب جامعه مزبور، نرخ بالای مهاجرت تحصیلکردگان این دانشگاه به خارج از کشور در طی سالیان گذشته است. از آنجایی که ابزار و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته^۱ بوده لذا روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده است تا اولاً نمونه‌های انتخاب شده جزو نخبگان دوره تحصیلی بوده و ثانیاً از هر حیث غنی از اطلاعات باشند. بر این اساس تعداد ۱۶ دانشجو مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند و ۸ دانشجوی دیگر نیز در یک گروه کانونی شرکت کردند. از تعداد ۲۴ دانشجوی شرکت کننده در این تحقیق، حدود ۱۸ نفر آنها (۷۵ درصد) در مراحل پیشرفته آمادگی برای مهاجرت بودند. این تحقیق در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵ انجام گرفت. به منظور انجام هر چه بهتر تحقیق، اعتماد شرکت کنندگان در تحقیق از هر نظر جلب شده و بر استفاده صرف علمی از نتایج حاصله تأکید شد. نهایتاً اینکه به تمامی افراد حاضر در تحقیق وعده داده شد که خروجی‌های تحقیق قبل از انتشار به منظور اعتباربخشی در اختیار آنها قرار داده شود.

یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج استخراج شده از مصاحبه‌های انجام گرفته و همچنین خروجی‌های گروه کانونی، یافته‌های تحقیق در سه بخش به طور مجزا ارائه می‌گردد. لازم به توضیح است که یافته‌های حاصله به منظور تعیین اعتبار در قالب پرسشنامه ای با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم گردیده و در اختیار مشارکت کنندگان در تحقیق قرار داده شد.

الف) عوامل مؤثر در مهاجرت دانش‌آموختگان

عوامل مؤثر در قصد مهاجرت نخبگان یک کشور را می‌توان در سه دسته عوامل شخصی، عوامل مربوط به کشور مبدأ و عوامل مرتبط با کشور مقصد خلاصه کرد. در تحقیق حاضر نیز عوامل مؤثر در قصد مهاجرت مشارکت کنندگان در سه دسته یاد شده قابل

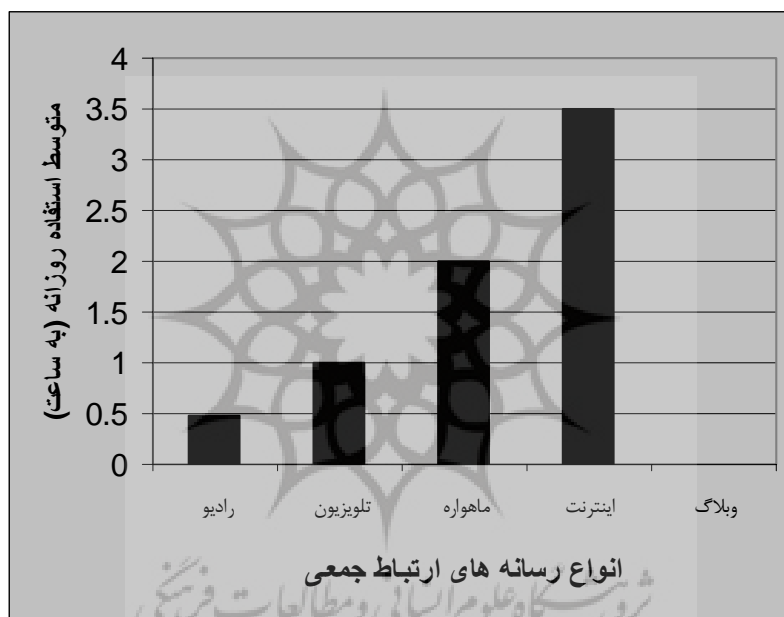
شناسایی‌اند که عوامل مرتبط با هر دسته از عوامل برحسب میزان تاثیر گذاری در جدول شماره ۱ نمایانده شده‌اند. اولویت بندی و وزن دهی به هر یک از عوامل توسط خود آزمودنی‌ها و در مرحله اعتبار یابی یافته‌ها انجام گرفته است.

جدول ۱: عوامل مؤثر در قصد مهاجرت تحصیلکردگان

عوامل شخصی	عوامل مربوط به مبدأ (عوامل دفع)	عوامل مربوط به مقصد (عوامل جذب)
۱	رشد و پیشرفت فردی و حرفه‌ای	نهاده‌ها نبودن علم در جامعه و جایگاه پایین آن
۲	فرصتی برای استقلال و آزادی عمل بیشتر	بازار کار اشباع شده و پر رقابت
۳	نارضایتی از هنجارها و محدودیت‌های اجتماعی	نبود فرصت بروز استعدادها و شایستگی‌ها
۴	گرایش به زندگی در فرهنگ‌های متفاوت	پایین بودن درآمدها
۵	توانایی ورود به بازارهای جهانی و کسب درآمد بیشتر	غیرقابل اتکا بودن درآمد و عدم تضمین آن
۶	نارضایتی از شرایط زندگی خانوادگی	ارج گذاری پایین جامعه به کارهای علمی و مقام دانشمندان
۷	عدم همسویی عقاید و تمایلات با گرایش‌های جامعه	رشد ضعیف اقتصاد ملی
۸	امکان پس‌انداز بیشتر و کمک به خانواده	ناکارآمدی اساتید و به روز نبودن آنها
۹	پیوند دوباره با دوستان و اقوام مقیم خارج	عدم ارضای نیازهای سطوح بالا نظیر احترام، خودشکوفایی و معرفت جویی
۱۰	آشنایی با حداقل یک زبان خارجی	احساس نابرابری اجتماعی
۱۱		نبود قید و بندهای اجتماعی و عوامل محدود کننده
۱۲		اعطای بورس تحصیلی
۱۳		پایین بودن شفافیت در جامعه
۱۴		امکان تغییر راحت‌تر مسیر شغلی
		هنجارهای اجتماعی محدود کننده و وجود تنگ نظری‌ها
		شرایط کاری سخت و پرفشار
		ضعف زیرساخت‌های تحقیقاتی

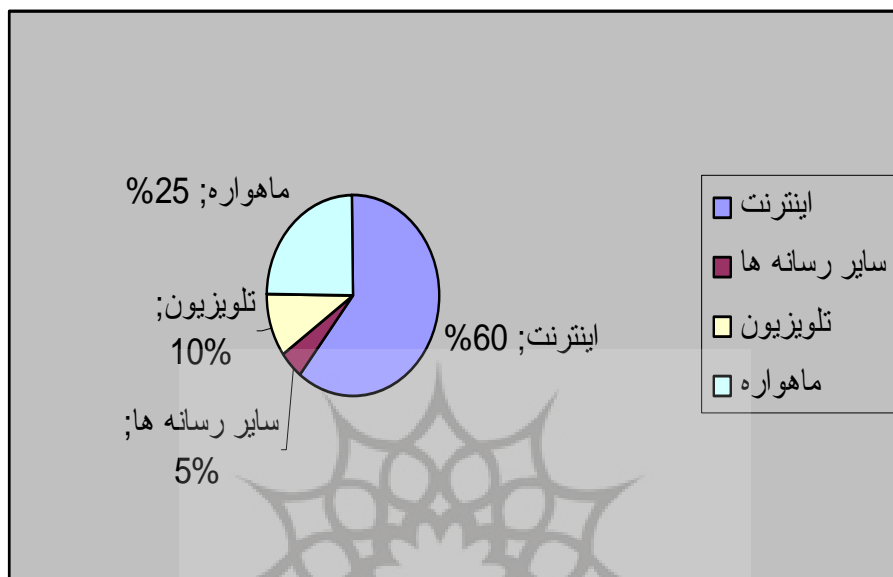
ب - میزان استفاده و تأثیرپذیری مشارکت کنندگان از انواع رسانه‌های جمعی بر اساس یافته‌های تحقیق مشخص گردید که آزمودنی‌ها، بیشترین ارتباط را با اینترنت داشته و به طور متوسط روزانه ۳/۵ ساعت صرف کار با اینترنت می‌کنند و ماهواره با ۲ ساعت از این حیث در رتبه دوم قرار دارد. نمودار شماره ۱ میزان متوسط استفاده روزانه آزمودنی‌ها از انواع رسانه‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار ۱: متوسط استفاده روزانه آزمودنی‌ها از انواع رسانه‌ها



همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، میزان تأثیر انواع رسانه‌های جمعی در قصد به مهاجرت افراد معین گردید. بر این اساس اینترنت بیشترین نقش را در تصمیم آنها داشته و پس از آن ماهواره و تلویزیون بوده است. به نظر می‌رسد که بین میزان استفاده و در معرض یک رسانه بودن و اثرگذاری آن رابطه مستقیمی وجود دارد که این رابطه را می‌توان بر اساس تئوری کاشت توجیه کرد. فرض اصلی در این تئوری اینست که بین ساعات تماشای یک رسانه و واقعیت‌پنداری در برنامه‌های آن ارتباط مستقیم وجود دارد. نمودار شماره ۲ میزان تقریبی تأثیر انواع رسانه‌های جمعی مورد استفاده بر قصد مهاجرت آنها را نشان می‌دهد.

نمودار ۲: میزان تأثیر انواع رسانه‌ها در قصد مهاجرت افراد



ج - نحوه اثرگذاری رسانه‌های جمعی بر قصد مهاجرت تحصیلکردگان

به منظور تعیین نحوه اثرگذاری انواع رسانه‌های جمعی بر قصد مهاجرت آزمودنی‌ها انواع رسانه‌های جمعی به رسانه‌های داخلی (با تأکید بر تلویزیون) و رسانه‌های خارجی (با تأکید بر اینترنت و ماهواره) تقسیم گردید. بر اساس یافته‌های حاصله رسانه‌های خارجی به شیوه‌های زیر بر قصد مهاجرت افراد تأثیر می‌گذارند؛

- بازنمایی کشورهای مقصد به عنوان کشورهایی با سطح بالای عدالت اجتماعی؛

- تقویت نوعی احساس جهان وطنی؛

- در اختیار قرار دادن انواع اطلاعات در مورد تحصیل و اقامت؛

- تبلیغات و بازاریابی دانشگاه‌های خارجی در اینترنت و ماهواره؛

- ترسیم فضای با ثبات و امن خصوصاً از حیث سیاسی؛

- ترسیم تابلوی زیبایی از کشور مقصد به مثابه یک آرمانشهر با سلامت اجتماعی بالا؛

- اختصاص بخش قابل توجهی از برنامه‌های خود به مسائل جوانان کشورهای در حال

توسعه؛

- تولید برنامه‌های متناسب با سطح علایق و انتظارات نخبگان علمی کشورهای در حال

توسعه؛

- ترویج نوعی فرهنگ شهروندی متمایز.

سازوکارهای یاد شده، به عنوان کارکرد مطلوبی برای رسانه‌های خارجی و در عین حال نتایج نامطلوبی برای کشور ما محسوب می‌شوند و اما در بخش دیگری از سؤالات تحقیق به کژکارکردهای رسانه‌های داخلی و خصوصاً تلویزیون در تشدید روند فرار مغزها پرداخته شد. بر اساس یافته‌های حاصله و خصوصاً خروجی‌های گروه کانونی مهمترین کژکارکردهای رسانه‌های داخلی که به نحوی از آنها بر قصد مهاجرت نخبگان تحصیلکرده موثرند، عبارتند از:

- عدم ترویج و اشاعه فرهنگ علمی در جامعه و ارتقای جایگاه علم و تحقیق در کشور؛
- کیفیت پایین برنامه‌ها و عدم تناسب آنها با سطح انتظارات، سلیق و خواسته‌های قشر جوان تحصیلکرده؛

- سهم کم جوانان، خصوصاً جوانان تحصیلکرده از برنامه‌های تلویزیون؛

- بازنمایی نامطلوب قشر تحصیلکرده در رسانه‌ها؛

- حساس نبودن نسبت به پدیده فرار مغزها و عدم آگاهی بخشی به جامعه و مخصوصاً مسئولین در خصوص هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم فرار مغزها؛
- نبود برنامه‌های موثر در خصوص تقویت احساسات میهن پرستانه؛

- سکوت در برابر بازنمایی‌های اغراق‌آمیز رسانه‌های غربی و عدم بیان مسائل و مشکلات خاص مهاجرت نظیر کمبود حمایت اجتماعی، انزوای اجتماعی و ... در کشورهای مقصد؛

- ترویج ناخواسته فرهنگ مهاجرت از طریق برخی سریال‌ها و فیلم‌های داستانی؛

- عدم توجه به شکاف بین نسلی در ساخت برنامه‌های متناسب جوانان.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق به دنبال آن بودیم مطالعه‌ای در خصوص کژکارکردهای رسانه‌های جمعی خصوصاً تلویزیون داخلی در تشدید روند فرار مغزها بود. از آنجایی که لازمه چنین مطالعه‌ای در وهله اول آگاهی از علل، انگیزه‌ها و ریشه‌های این پدیده نامطلوب بود لذا ابتدا به شناسایی عوامل موثر پرداخته شد. این عوامل عبارت بودند از عوامل شخصی، عوامل مربوط به کشور مبدأ و بالاخره عوامل مربوط به کشور مقصد. در گام بعدی فرض ما بر این بوده که با توجه به نفوذ و گسترش بی‌سابقه رسانه‌های جمعی در کلیه ابعاد حیات اجتماعی و نقش آنها در شکل‌گیری ادراکات، نگرش‌ها، تصمیمات و رفتارهای افراد می‌بایست بین میزان استفاده از یک رسانه بخصوص و تأثیر آن در قصد به مهاجرت دانش‌آموختگان نخبه

رابطه مستقیم وجود داشته باشد، که همانگونه که یافته‌ها نشان می‌دهند این رابطه تأیید شده و مشخص گردید که از دیدگاه آزمودنی‌های تحقیق، اینترنت به عنوان پرکاربردترین رسانه از سوی آنها، بیشترین تأثیر را در سوق دهی و گرایششان به مهاجرت داشته است. این یافته با مبانی نظری موجود در خصوص نظریه کاشت مطابقت داشت و رابطه بین میزان استفاده از یک رسانه و واقعیت‌پنداری پیام‌های آن تأیید گردید. به نظر می‌رسد با توجه به نظریه مخاطب فعال و خصوصاً به دلیل ویژگی‌های خاص جامعه مورد مطالعه، رسانه‌های تعاملی بیشترین استفاده را از سوی آنها داشته باشد. این مهم سیاستگذاران امر ارتباطات و رسانه‌های کشور را متوجه این نکته می‌سازد که عصر حاضر عصر رسانه‌های تعاملی و دو سویه است، رسانه‌هایی که به بیشترین و بهترین وجهی امکان مشارکت را برای مخاطب فراهم سازند.

بر اساس چارچوب نظری و مدل مفهومی ارائه شده در این تحقیق، فرض بر این بوده که رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی بر عوامل مؤثر در تصمیم به مهاجرت تحصیلکردگان نخبه مؤثرند. از آنجایی که تصمیم به مهاجرت برآیندی از سه دسته عوامل فردی، عوامل کشور مبدأ و عوامل کشور مقصد می‌باشد، لذا به بررسی نحوه اثرگذاری هر دوی رسانه‌های داخلی و خارجی بر تصمیم مزبور پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که رسانه‌های کشورهای مقصد بر عوامل جذب و همچنین عوامل فردی اثرگذار بر قصد مهاجرت تأثیر گذارند.

نکته مهمی که در این تحقیق بدان رسیدیم این مطلب بود که نحوه بازنمایی علم، دانشمند و قشر تحصیلکرده در رسانه‌ها عامل بسیار مهمی در پدیده مورد بررسی ماست. به عبارتی رسانه‌های داخلی اعم از رسانه ملی و روزنامه‌ها و مطبوعات کثیرالانتشار بازنمایی خوب و درخوری از قشر تحصیلکرده نداشته و به جای ارزش جلوه دادن علم و فعالیت‌های علمی - تحقیقاتی اولویت خود را به برنامه‌های کم محتوای تفریحی - سرگرم کننده می‌دهند. به عبارتی دیگر و بر اساس اظهار نظر مشارکت کنندگان تلویزیون ما به ابزاری جهت تفریح قشر کم سواد مبدل شده و پاسخگوی نیازها و انتظارات جامعه علمی نمی‌باشد. اگر یک گام فراتر نهمیم بایستی گفت که رسانه‌های ما هنوز باور عمومی نسبت به علم ایجاد نکرده و نتوانسته‌اند یک فرهنگ علمی بنیان نهند. حال آن که رسانه‌های جمعی خاصه رسانه ملی به عنوان مهمترین متولی امر فرهنگی کشور و هدایت و مدیریت افکار عمومی جامعه در این زمینه بایستی احساس مسئولیت نماید. یافته جالب توجه‌تر در این

تحقیق این بوده که «عدم نهادینه بودن علم در جامعه» به عنوان مهمترین عامل دفع نخبگان از سوی آزمودنی‌ها معرفی شده است. این مسأله حامل پیام‌های بسیاری است و نشان می‌دهد که هنجارها و انگیزش‌های لازم برای رفتارها و کنش‌های اعضای جامعه علمی فراهم نشده و علم در کشور ما جهت فعالیت افراد دارای جاذبه‌های هنجاری نمی‌باشد و مهاجرت نخبگان علمی نشانگر ناهم‌نوایی اساتید و پژوهشگران با انتظارات نقش خویش در چارچوب نهاد ملی علم است.

از آنجایی که امروزه نقش بی‌بدیل رسانه‌های جمعی در نهادینه سازی باورها، ارزش‌ها، هنجارها و قوانین و مقررات در جامعه به اثبات رسیده لذا بر اصحاب رسانه و سیاست‌گذاران و مدیران رسانه‌ها فرض است که زمینه نهادینه شدن هر چه بیشتر علم را در جامعه فراهم سازند. رسانه‌های جمعی به این منظور می‌بایست تلاش نمایند تا باور علمی در جامعه به وجود آمده و اهمیت و جایگاه علم و تحقیق در توسعه پایدار کشور تبیین شود. آنها همچنین بایستی کار و فعالیت علمی را به عنوان یک ارزش اساسی در جامعه ترویج نمایند و از سوی دیگر با هدایت مراکز قانونگذاری، قوانین و مقررات تسهیل کننده و مشوق در زمینه فعالیت‌ها و حرکت‌های علمی را به وضع مطلوب برسانند. اگر رسانه‌ها بتوانند به طور متعادل از سه مکانیزم شناختی^۱، هنجاری^۲ و تنظیمی^۳ نهادی کردن در جامعه استفاده کنند، بی‌تردید موفق به نهادینه کردن علم در جامعه خواهند شد و در این صورت مسأله مهاجرت نخبگان علمی و فرار مغزها به عنوان نتیجه و عارضه مربوط به ضعف نهادینه شدن علم در جامعه کاهش اساسی یافته و حتی روندی معکوس خواهد یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 - Cognitive Mechanism
2 - Normative Mechanism
3 - Regulative Mechanism

منابع فارسی

- ۱- فرهنگی، علی‌اکبر و روشندل اربطانی، طاهر(۱۳۸۳). نگرشی بر بنیان‌های نظری مدیریت سازمان‌های رسانه ای ، فصلنامه دانش مدیریت ، شماره ۶۶.
- ۲- قلی پور، آرین (۱۳۸۴) . جامعه‌شناسی چشم انداز : فرهنگ گذشته نگر و ساختار آینده‌نگر، فصلنامه کمال مدیریت ، سال سوم ، شماره ۸ و ۹.
- ۳- مهدی‌زاده ، شراره (۱۳۸۴). تلویزیون ، مخاطب و نگرش نو ، مجله جامعه شناسی ایران ، دوره ششم ، شماره ۴.

منابع انگلیسی

- 4- Akl,E.A.,et al. (2006).Why You Are Draining Your Brain? Factors Underlying Decisions of Graduating Lebanese Medical Students to Migrate. Social Science & Medicine, In Press.
- 5- Beine. M., F. Docquier and H. Rapoport.(2003). Brain Drain and LDCs' Growth: Winners and Losers. IZA DP. 819.
- 6- Davenport, S.(2004). Panic and panacea: brain drain and science and technology human capital policy. Research Policy. 33.
- 7- Gerbner G. ,Gross L. , Morgan M. , and Signorielli N. (1986) . Perspectives On Media Effects. Hillsdale, New Jersey: Erlbaum Publications.
- 8- Gerbner G. ,Gross L. , Morgan M. , and Signorielli N. (1994). Growing up with Television : The Cultivation Perspective . Media Effects In Theory and Research , 17/ 41.
- 9- Hansen W.(2004). The Brain Drain – Emigration Flows for Qualified Scientists. Part 2: Defining Brain Drain. Maastricht: UNU-MERIT.
- 10- Helou M.(1995). Contingency Planning for Systems Evolution after Crisis: Reconstructive Brain Drain Policy- Oriented Implications — The Case of Lebanon, 1975–1994". Journal of Contingencies and Crisis Management. 3 .
- 11- Inkson K. , Carr S.C. , Edwards M. , Thorn K., Jackson D., Allfree N. & Hooks J.(2004) . From Brain Drain toTalent Flow: Views of Kiwi Expatriates. University of Auckland Business Review, 6/2.
- 12- Lee E. S. (1966). A Theory of Migration. Demography, 1 / 3.
- 13- Lucas E.B.(2004). International Migration to the High Income Countries: Some Consequences for Economic Development in the Sending Countries. Boston University Journal , 12.

- 14- Mullan F. (2005) . The Metrics of the Physician Brain Drain. New England Journal of Medicine , 353/17.
- 15- Nunn A.(2005). Academic and Skilled Migration to the UK and its Impacts on Africa. Report to the AUT and NATFHE.
- 16- Ozden C.(2006). Brain Drain in Middle East and North Africa –The Patterns Under The Surface. Population Division Department of Economic and Social Affairs, United Nations Secretariat, Beirut .
- 17- Ozden C. & Schiff M.(2006). International Migration, Remittances and the Brain Drain. A co-publication of the World Bank and Palgrave Mackmillan, Washington DC.
- 18- Severin W. J. & Tankard J. (1992). Communication Theoriesin : Origins, Methods and Uses in Mass Media , New York , Longman Press.
- 19- Shrum L.J.(1996). Psychological Processes Underlying Cultivation Effects , Human Communication Research , 32/6.
- 20- Stark O.(2004). Rethinking the Brain Drain. World Development , 32/1.
- 21- Stilwell B.(2004) . Migration of Health –Care Workers From Developing Countries : Strategic Approaches to its Management. Bulletin of the World Health Organization , 82/8.
- 22- Zweig D.(2006). Competing for Talent: China's Strategies to Reverse the Brain Drain. International Labour Review, 145/1-2.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی